

عاشقانه‌های عارفان

مهران رهنما خانقاه

متولد ۶۲

مفتراوّل

www.ketab.ir

سر: حامد: رهنما، مهران، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور: عاشقانه‌های عارفان / مهران رهنما.
مشخصات نشر: تهران: سها دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۸۸ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ سم.
شابک: ۲-۱۷۲-۱۸۱-۶۰۰-۹۷۸: ۶۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر عرفانی -- تاریخ و نقد
موضوع: Sufi poetry -- History and criticism

موضوع: عشق در ادبیات
موضوع: Love in literature
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵/۹۴۶۲/۳۶۰۶ PIR
رده بندی دیویی: ۱۷۰۵۲۰۹ ف
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۴۶۷۰۱

عاشقانه‌های عارفان

مهران رهنما خانقاه

(فتر اول)

دفتر دوم بهارزدی منتشر می‌شود



نشان

ناشر: سها دانش (عضو انجمن ناشران دانشگاهی)

مشاور ادبی: محمد صالح رهنما

ویراستار: اکرم محمدی مزرعه شاهی

طرح جلد و صفحه آرایی: امیر خلیلی فرد

نویت چاپ: اول، ۱۳۹۵، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۲-۱۷۲-۱۸۱-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار ۷

فصل اول: کلیات

تعریف عشق ۱۱

تعریف لغوی و اصطلاحی عشق ۱۵

عشق در لغت ۱۷

عشق در عرفان ۱۹

عشق از نگاه ابن عربی ۲۱

معشوق در کتم عدم است ۲۷

فصل دوم: عرفان در اشعار

عرفان در اشعار ۳۱



پیشگفتار

ادبیات عرفانی یا ادبیات صوفیانه بخشی از میراث منشور و منظوم ادبی است که شاعران عارف یا عارفان شاعر، تحت تأثیر مشرب تصوف به وجود آورده اند و در هر گیرنده قسمت عظیمی از ادبیات فارسی است.

برای شناخت این نوع از ادبیات، لاجرم باید پدید آورنده آن را یعنی صوفیه و عرفا را شناخت. تصوف یک مشرب خاص فکری است که تقریباً از قرن دوم هجری به طور رسمی مطرح شد و سابقه تعلیم آنان را می توان به زمان پیامبر (ص) و اهل «صفه» بازگرداند. اهل صفه کسانی هستند که بر اثر تعلیمات پیامبر (ص) و از سویی دنیازدگی جانشینان پیامبر (ص) بویژه از دوره عثمان به بعد به زهد و دنیاگریزی روی آوردند و کم کم اقلیت خاص فکری را شکل دادند. اولین چیزی که در بین آنان مطرح شد، مذمت دنیا

و خواهش‌های نفسانی بود و سپس عشق به خدا و طلب او بود که مرکز خواسته‌ها و هدف نهایی اعمالشان قرار داشت. از همین جاست که تعلیمات و سخنان آنان دو دسته می‌شود:

دسته‌ای به وعظ و اندرز (ادب تعلیمی) و دسته‌ای به جذب و عشق (ادب عاشقانه) می‌پردازند. بعدها میراث عظیمی با عنوان ادبیات عرفانی از آنان به جا ماند که از این مشرب فکری تغذیه می‌کرده است.

تصوف که از مشرب ذوق و الهام سرچشمه می‌گیرد، با شعر و شاعری که نیز از همین انیفه نهائی بر می‌خیزد، مناسبت تمام دارد؛ اما با این همه، صوفیه که در آغاز امن رهد، پرهیز بوده‌اند، به همان نسبت در اوایل، چندان رغبتی به شور و شادی ستان نمی‌دادند. درست است که اشعاری به بعضی از قدمای صوفیه مثل ذوالنون مطهری و حلاج بن معاذ رازی و دیگران نسبت داده‌اند، اما این گونه اشعار از زبان و روی صوفیان (که چندان قابل استناد نیست) به ما رسیده و از طرفی، چندان در برآورنده حکمت و فکر صوفیه نیست. حتی صوفیه معتدل هم در آغاز اظهار علاقه به شعر نمی‌کردند و از خواندن قرآن به الحان و شنیدن اشعار کراهیت داشتند.^۱

اولین آغازگر شعر را بین متصوفه، ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰ ه. ق) گفته‌اند. ابوسعید بر خلاف مخالفت‌های فقها و متشرعان و حتی متصوفه، بر سر منبر وعظ، اشعار بسیار می‌خواند و از آن تاویل و تفسیر عرفانی می‌کرد. می‌توان گفت شعر صوفیانه فارسی مقارن با اوایل قرن پنجم با ابوسعید ابوالخیر در خراسان رواج تام یافت. بعد از عهد سلطان محمود غزنوی و

پسرش سلطان مسعود به جهت اسباب گوناگون، تصوف در خراسان و عراق رواج تام یافت و با این که فقها خواندن شعر بویژه غزل را بر سر منبر ممنوع کرده بودند، با وجود این، روایت ادبیات عاشقانه و نقل قصص و حکایات در بین صوفیان رایج بود. رباعیات عین القضاات همدانی و ابوسعید مهنه و اوحدی کرمانی و نیز غزلیات سنایی و عطار، نمونه رواج شعر را در خانقاه‌ها به دست می‌دهد.^۱

بعد از ابوسعید سنایی در قرن ششم، با وارد کردن حال و هوا و درونمایه‌های عرفانی به ساختار مستحکم قصیده، دیباچه‌ای نو بر ادبیات عرفانی گشود. سنایی علاوه بر غزلیاتش که سشار از جذبه و شور و حال قلندری و ملامتی است، در ساختار قصیده هم عرفانی وارد کرد و بعد از او، عطار نیشابوری در قالب غزل و مثنوی، مفاهیم عالم عرفانی را مطرح کرد.

گفتنی است که ادبیات عرفانی، هم‌طور که در ابتدای این نوشته به صورت اجمال آمد، به دو نوع ادب تعلیمی و ادب عاشقانه تقسیم می‌شود. شاعران صوفی، سکر و وجد و حالات حاصل از دیدن روحانی را در قالب غزل می‌سرایند و نیز وعظ و تذکیر و زهد و تحقیق را در قالب مثنوی به عنوان مهارت و گوشزدهایی برای سالکان می‌سرایند. بر این اساس، سنایی و عطار مثل دیگر شاعران عارف، هم غزلیات پر از جذبه و شور دارند و هم مثنویات تعلیمی مثل حذیقه الحقیقه و منطق الطیر.

سرآمد شاعران عارف، جلال الدین محمد رومی است که هم در عرصه ادبیات عاشقانه عرفانی بی‌مانند است و هم در عرصه ادب تعلیمی عرفانی.

مثنوی معنوی مولوی اثر گرانسنگی است که از بهترین و غنی‌ترین میراث صوفیه به شمار می‌آید. بعد از مولوی اولین کسی که جرات کرد در شعر تعلیمی صوفیانه، شیوه مثنوی را سرمشق خود کند، پسرش سلطان ولد (معروف به بهاء ولد) در ولدنامه خود است؛ سپس شیخ محمود شبستری در گلشن راز است.^۱

به طور کلی بعد از مولوی، ادبیات عرفانی شکوفایی خاصی نداشته است و ناری که بعدها به وجود آمد، برپایه تقلید از مولوی، عطار و سنایی بوده است. البته ادبیات عرفانی شامل آثار مشهور نیز می‌شود که شطحیات بایزید بسطامی، کشف المحجوب، رباعیات هجویری، مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری و... آثار برجسته آن هستند. اما شترین جلوه عرفان در عرصه شعر بوده است. در مجموع، صوفیه و عرفان تأثیر بسیار مهمی در شکل‌گیری و دگرگونی ادبیات فارسی داشته‌اند. آثار صوفیه را از لجن زار دروغ و تملق به اوج و رفعت وعظ و تحقیق کشانده‌اند و غزل را از عشق شهوانی به محبت روحانی رسانده‌اند. همچنین مثنوی را وسیله‌ای برای تعلیم تربیت و عرفان و اخلاق کرده‌اند و رباعی را قالب بیان احوال و آلام زودگذر انسانیت کرده‌اند. نشر را عمق و سادگی بخشیده‌اند و حکایت و قصه را قالب بیان حقایق حکم کرده‌اند.